مجموعه‌ی جنبش‌های اجتماعی – ترجمه‌ی ۶

انضباط بی‌خشونت در جنبش‌های اجتماعی: ساختن یا شکستن؟

چه چیزی جنبش‌ها را، زیر سرکوب، بی‌خشونت نگه می‌دارد؟

بخش ۴ از ۴ – فصل چهارم: بحث، نتیجه‌گیری و کتاب‌شناسی

جاناتان پینکنی

Jonathan Pinckney, *Making or Breaking Nonviolent Discipline in Civil Resistance Movements*, ICNC Monograph Series (Washington, DC: International Center on Nonviolent Conflict, 2016), pp. 59–75, 90–102.

این اثر توسط **پژوهشکده‌ی جنبش معلمان** به فارسی ترجمه شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. ترجمه‌ی کامل و بدون حذف است و در چهار بخش هفتگی منتشر شده است؛ این بخش پایانی است و نسخه‌ی یکپارچه‌ی هر چهار بخش هم‌زمان منتشر می‌شود. شماره‌های داخل کادر ۵۹ آغاز هر صفحه‌ی متن اصلی را نشان می‌دهند تا ارجاع به اصل آسان باشد. پانوشت‌ها و کتاب‌شناسی عیناً به زبان اصلی و با شماره‌ی اصل آمده‌اند. افزوده‌های مترجم با «م.» مشخص شده‌اند.

یادداشت پژوهشکده: چهار بخش، کنار هم

پینکنی در بخش نخست سیزده «تأثیر مورد انتظار» بر انضباط بی‌خشونت را از یک مدل ساده‌ی انتخاب فردی بیرون کشید. در بخش دوم ده‌تای آنها را با نزدیک به هجده هزار رویداد آزمود و در بخش سوم همه را در سه کارزار صربستان، گرجستان و قرقیزستان دنبال کرد. فصل چهارم، که در این بخش آمده، این دو آزمون را کنار هم می‌گذارد. جدول ۶ خلاصه‌ی این مقایسه است. فشرده‌ی آن چنین است:

آنچه هر دو آزمون تأیید کردند. **سرکوب** (تأثیر ۱۲) پیوسته‌ترین یافته است: در آمار و در دو کارزاری که سرکوب جدی داشتند، انضباط را پایین آورد. **مدت** (تأثیر ۱۳) نیز در هر دو آزمون به همین سو اشاره کرد، هرچند در آمار ضعیف بود: هرچه کارزار طولانی‌تر، فروپاشی محتمل‌تر. **پرهیز از رویارویی** (تأثیر ۸) در آمار ضعیف ولی در موردها روشن بود. «نگه‌داشتن قلمرو»، یعنی اشغال ساختمان و میدان و ماندن در آن، در صربستان و قرقیزستان کانون خشونت شد. گرجستان هر جا تهدید به رویارویی می‌شد عقب نشست.

آنچه در موردها شکل پیچیده‌تری یافت. **تمرکز** (تأثیر ۶) در آمار انضباط را کم می‌کرد و کارزارهای غیرسلسله‌مراتبی با اختلاف‌نظر آشکار منضبط‌تر بودند. موردها نشان دادند که تمرکز به‌خودی‌خود نه خوب است و نه بد. تمرکز وقتی کمک کرد که خود رهبری به بی‌خشونتی ناب متعهد بود (گرجستان). رهبری منسجم و متمرکز قرقیزستان، که چنین تعهدی نداشت، خشونت را پیش برد. **اهداف** (تأثیر ۷): در آمار اهداف میانه‌رو انضباط را بالا می‌بردند، اما گرجستان با هدف انقلابی هم بی‌خشونت ماند.

آنچه وارونه شد. **امتیاز** (تأثیر ۴) در آمار برخلاف انتظار نظریه بود: پس از امتیاز، انضباط افت می‌کرد. اما در موردها امتیازهای چند سال پیش با انضباط بالاتر همراه بودند. نویسنده این را با زمان‌بندی توضیح می‌دهد. امتیاز تازه اعتمادبه‌نفس بیش از حد و شکاف می‌آورد، و امتیاز قدیمی این باور را که «مقاومت مدنی جواب می‌دهد».

آنچه اثری نشان نداد. **تنوع** (تأثیر ۱۰) در هیچ‌یک از دو آزمون اثری نشان نداد. **طیف تاکتیک‌های پیشین** (تأثیر ۳) هم تقریباً بی‌اثر بود.

آنچه فقط در موردها سنجیده شد. **آموزش** (تأثیر ۲) اثر داشت، اما فقط وقتی ژرف بود. آموزش سطحی قرقیزستان این تصور را جا انداخته بود که برای براندازی کافی است مردم را به خیابان آورد. **فراخوان** رهبران به بی‌خشونتی (تأثیر ۵) و **مجازات** خشونت از سوی خود کارزار (تأثیر ۱۱) هر جا پیوسته بودند، اثر گذاشتند. **معیارهای عضویت** (تأثیر ۹) پرسش تازه‌ای پیش کشید: هسته‌ی کوچک و آموزش‌دیده‌ی اوتپور سال‌ها زیر سرکوب منضبط ماند، ولی وقتی صدها هزار نفر آمدند، انضباط شکست.

پیامد برای فعالان. نتیجه‌گیری نویسنده چند درس عملی دارد:

- فروپاشی معمولاً نه بلافاصله پس از سرکوب، بلکه پس از سرکوبِ ادامه‌دار رخ می‌دهد؛ پس کارزار «چند هفته تا چند ماه» فرصت دارد راهبردش را بازتنظیم کند.
- ساختارهای فراگیری که در آنها اعضا احساس مالکیت دارند و اختلاف به بحث گذاشته می‌شود، بهتر از اطاعت از دستور، بی‌خشونتی را نگه می‌دارند.

- پس از گرفتن امتیاز نباید «بر افتخارات تکیه زد»؛ باید شتاب، وحدت و انضباط را حفظ کرد و نگذاشت میانه‌روها کنار بروند.
- هیچ تاکتیک «یک‌اندازه‌برای‌همه» وجود ندارد. شواهد آماری، هرچند ضعیف، نشان می‌دهد اعتصاب کمتر از اعتراض خیابانی و تحصن به خشونت می‌انجامد. هر جا سرکوب محتمل است، عدم همکاری و پراکندگی بر رویارویی و نگه‌داشتن مکان برتری دارد.
- گسترش انضباط از هسته‌ی متعهد به جمعیت بزرگ‌تر کاری است که باید از پیش برایش برنامه داشت.

نکته‌هایی برای خواندن دقیق. «محیط بیرونی مساعد» جدول ۶ همان تأثیر ۴ است که متن آن را با عنوان «امتیازهای سیاسی پیشین» بحث می‌کند. ستون آماری این سطر در اصل «N/A» است، در حالی که متن صفحه‌ی ۶۶ از واگرایی آمار و موردها درباره‌ی امتیاز سخن می‌گوید. ما جدول را دست‌نخورده آورده‌ایم. بند مربوط به «مدت کارزار» در اصل بی‌عنوان و در ادامه‌ی بخش سرکوب آمده است؛ عنوان آن افزوده‌ی مترجم است. کتاب‌شناسی کامل و فهرست جدول‌ها و شکل‌ها در پایان آمده‌اند.

اصطلاحات همان‌اند که در بخش‌های پیشین آمد: «انضباط بی‌خشونت» (nonviolent discipline)، «مقاومت مدنی» (civil resistance)، «کارزار» (campaign)، «نتیجه‌ی معکوس» (backlash)، «امتیاز» (concession) و «تأثیر n» اصل سفید است ۶۸. صفحه‌ی مورد انتظار. برای هر یک از سیزده تأثیر.

فصل ۴ [۵۹]

بحث درباره‌ی مطالعات موردی

شواهد این سه مورد، تأثیرهای مورد انتظار گوناگون بر انضباط بی‌خشونت را چگونه تأیید یا تضعیف می‌کنند؟ یافته‌های مطالعات موردی در جدول ۵ در فصل پیشین خلاصه شده‌اند. بخش زیر به‌کوتاهی بررسی می‌کند که مقایسه‌ی میان موردها و نیز ردیابی فرایند در درون هر مورد، درباره‌ی تأثیرهای گوناگونی که گفته می‌شود انضباط بی‌خشونت را تقویت یا تضعیف می‌کنند، چه چیزی به ما می‌گویند.

تجربه‌ی تاریخی (تأثیر ۱)

در هر سه مورد، تجربه‌ی تاریخی درگیری خشونت‌آمیز نقشی کلیدی داشت. در صربستان، سایه‌ی جنگ‌های اخیر بالکان بر ذهن DOS و اوتپور سنگینی می‌کرد. شاید مهم‌تر از آن، این تجربه‌ی تاریخی در ذهن نیروهای امنیتی تازه بود؛ آنها می‌ترسیدند شورشی مردمی به مداخله‌ی ناتو بینجامد (Bujosevic and Radovanovic 2003, 11). در گرجستان، جنگ داخلی میان هواداران رئیس‌جمهور گامساخوردیا و شواردنادزه در آغاز دهه‌ی ۱۹۹۰، و نیز درگیری‌های جدایی‌طلبانه در آبخازیا و اوستیای جنوبی، هر دو طرف را به خویشتن‌داری چشمگیری واداشت. تظاهرات پیشینی که با موفقیت به استقلال گرجستان انجامیده بود نیز به‌عنوان نشانه‌ی توان کنش بی‌خشونت برای ایجاد تغییر یادآوری می‌شد. و در قرقیزستان، خاطره‌ی درگیری قومی دهه‌ی ۱۹۹۰ اپوزیسیون را برانگیخت که ازبک‌ها را به‌سرعت در ائتلاف ضدآکایف خود بگنجاند.

سطح انضباط بی‌خشونت در این سه مورد پیوند نزدیکی با میزان «مرکزی‌بودن» درگیری‌های خشونت‌آمیز پیشین دارد. در قرقیزستان، درگیری قومی دهه‌ی ۱۹۹۰ حاشیه‌ای بود و کنترل دولت هرگز زیر پرسش نرفت. در صربستان، هرچند مجموعه‌ی درگیری‌های بالکان در دهه‌ی ۱۹۹۰ بی‌گمان تهدیدی وجودی برای یوگسلاوی پیشین بود، درگیری میان خود صرب‌ها اندک بود و نیروهای اپوزیسیون صربستان علیه حکومت دست به سلاح نبرده بودند. سرانجام، در گرجستان، جنگ داخلی تهدیدی مرکزی و وجودی برای کشور بود؛ با تانک و نبرد مسلحانه در [۶۰] خیابان‌های تفلیس. پس به نظر می‌رسد «مرکزی‌بودن» درگیری مسلحانه عاملی است که تأثیر مستقیم پیشینه‌ی درگیری خشونت‌آمیز بر تقویت انضباط بی‌خشونت را میانجی‌گری می‌کند.

آموزش و اطلاعات درباره‌ی کارزارهای پیشین مقاومت مدنی (تأثیر ۲)

تجربه و اطلاعات درباره‌ی مبارزه‌های بی‌خشونت پیشین نیز به نظر می‌رسید اثرهای مهمی داشته باشد، هرچند این اثرها در پدیدآوردن انضباط بی‌خشونت یکدست نبودند. در هر سه مورد، رهبران کارزار در معرض اطلاعات فراوانی درباره‌ی کارزارهای پیشین مقاومت مدنی قرار گرفتند و در مقاومت مدنی آموزش دیدند. به‌ویژه در قرقیزستان، کارزارهای موفق اخیر در گرجستان و اوکراین چارچوب‌های نیرومندی بودند که اپوزیسیون از آنها بهره گرفت. با این حال، آموزش آنها و نمونه‌های نیرومند و تازه‌ی مقاومت بی‌خشونت موفق، اپوزیسیون قرقیز را به اعمال سطح بالاتری از انضباط بی‌خشونت برنینگیخت.

چرا چنین است؟ یک توضیح احتمالی به کیفیت آموزش و درس‌های خاصی مربوط است که رهبران کارزار از تجربه‌های اخیر می‌گیرند. هرچند رهبران قرقیز تا حدی در مقاومت مدنی آموزش دیدند، شواهد نشان می‌دهد این آموزش نسبتاً محدود بود. این با هر دو مورد صربستان و گرجستان در تضاد است که در آنها آموزش مقاومت مدنی گسترده و دقیق بود. با چنین آموزش محدودی، جای تردید است که رهبران انقلاب لاله درک چندان پیچیده‌ای از پویایی‌های کنش بی‌خشونت داشته باشند. به جای آن، به نظر می‌رسد انتخاب‌های تاکتیکی‌شان بر پایه‌ی احساسی مبهم‌تر بود که از تجربه‌ی انقلاب‌های رنگی پیشین برمی‌خاست: اینکه برانداختن یک دیکتاتور صرفاً کشاندن شمار زیادی معترض به خیابان‌هاست. پویایی‌های مقاومت مدنی، مانند اهمیت انضباط بی‌خشونت، به‌خوبی درک نشده بودند و از این رو به‌خوبی هم اجرا نشدند. بنابراین، تأثیر آموزش و آشنایی با اطلاعات مبارزه‌های بی‌خشونت پیشین در این موردها، هرچند واقعی است، به نظر می‌رسد با کیفیت آموزش و اطلاعاتی که رهبران و شرکت‌کنندگان کارزار در معرض آن قرار می‌گیرند میانجی‌گری می‌شود.

طیف گسترده‌ی تاکتیک‌های پیشین مقاومت مدنی (تأثیر ۳)

به نظر می‌رسد وجود طیف گسترده‌ای از تاکتیک‌های پیشین مقاومت مدنی در این سه مورد اثری یکدست نداشته است. موردی که احتمالاً گسترده‌ترین طیف تاکتیک‌های پیش‌تر به‌کاررفته را داشت صربستان بود؛ جایی که فعالیت‌های پیشین اپوزیسیون و سال‌ها[illegible]وری اوتپور مجموعه‌ای پیچیده و دقیق از تاکتیک‌های گوناگون مقاومت مدنی پدید آورده بود. با این حال، این تنوع تاکتیکی بالا به انضباط بی‌خشونتی بالاتر از، مثلاً، گرجستان نینجامید؛ در گرجستان انضباط بی‌خشونت تقریباً کامل حفظ شد، با وجود اینکه مجموعه‌ی تاکتیک‌های مقاومت مدنی برآمده از تجربه‌ی تاریخی آن کشور بسیار کم‌مایه‌تر و ساده‌تر بود.

امتیازهای سیاسی پیشین (تأثیر ۴)

هرچند شواهد درباره‌ی اثر کوتاه‌مدت‌تر امتیازها روشن نیست، در درازمدت به نظر می‌رسد امتیازها با سطح بالاتر انضباط بی‌خشونت پیوند داشته‌اند. هم در گرجستان و هم در صربستان، جنبش‌های بی‌خشونت در گذشته‌ی نزدیک به برخی امتیازها انجامیده بودند: میلوشویچ پس از تظاهرات ۱۹۹۶ اجازه داد چهره‌های اپوزیسیون برخی مناصب روستایی را به دست گیرند؛ و شواردنادزه در ۲۰۰۱ پس از اعتراض‌ها یک ایستگاه تلویزیونی مستقل را دوباره گشود. در مقابل، در قرقیزستان، کارزار آکسی، هرچند در آزادکردن بکنظروف موفق بود، به سرکوب چشمگیری هم انجامیده بود.

این رابطه با یافته‌ی تحلیل آماری در تضاد است که امتیازها را با سطح بالاتر فروپاشی انضباط بی‌خشونت همراه می‌دانست. اما بازه‌ی زمانی این امتیازها (چند سال پیش از کارزار) با بازه‌های زمانی بررسی‌شده در داده‌های کمّی متفاوت است؛ آن داده‌ها بیشتر بر امتیازهایی تمرکز داشتند که در پاسخ به کنش‌های بی‌خشونت تازه‌تر داده شده بودند. بنابراین، امتیازها در درازمدت ممکن است با انضباط بی‌خشونت بالاتر همراه باشند، چون احساس عمومی موفقیت مقاومت مدنی را افزایش می‌دهند؛ در حالی که امتیازها در کوتاه‌مدت انضباط بی‌خشونت را کاهش می‌دهند، به دلیل اعتمادبه‌نفس بیش از حد کارزار، چنان‌که در تحلیل آماری بحث شد.

فراخوان رهبران جنبش به انضباط بی‌خشونت (تأثیر ۵)

این سه مورد از نزدیک با تأثیر مورد انتظار فراخوان رهبران جنبش به انضباط بی‌خشونت هم‌خوان‌اند: فراخوان‌های قوی‌تر و پیوسته‌تر به انضباط بی‌خشونت بیشتر انجامیدند. در گرجستان، رهبری کارزار پیوسته پیام مقاومت ناب بی‌خشونت را عرضه می‌کرد. در صربستان پیام‌ها آمیخته بود. بخش‌هایی از کارزار، مانند اوتپور، به راهبرد مقاومت مدنی متعهد بودند. هرگاه [۶۲] آنها بر کارزار چیره بودند، انضباط بی‌خشونت بسیار بالا بود. اما رهبری DOS آماده بود به خشونت نیروهای امنیتی «پاسخ‌های متناسب» بدهد. سرانجام، در قرقیزستان، کانون اصلی اپوزیسیون عموماً حول این راهبرد متحد بود که تا زمانی که رژیم با خشونت پاسخ ندهد از تاکتیک‌های مسالمت‌آمیز استفاده کند و سپس به تاکتیک‌های خشونت‌آمیز روی آورد.

رهبری قوی و منسجم کارزار (تأثیر ۶)

هر سه کارزار به‌سرعت رهبری قوی و منسجمی پدید آوردند. در واقع، مورد قرقیز شاید «قوی‌ترین» از میان این سه بود، چون اشکال سنتی حکمرانی و سازمان‌یابی به‌سرعت به دست اپوزیسیون افتاد. اینکه این سطح بالای سلسله‌مراتب و ساختار با خشونت همراه بود، یافته‌ی آماری را تأیید می‌کند که کارزارهای غیرسلسله‌مراتبی انضباط بی‌خشونت بیشتری دارند. اما چون سلسله‌مراتب تا حدی در هر سه کارزار وجود داشت، داوری درباره‌ی اثر آن دشوار است.

اهداف راهبردی میانه‌رو (تأثیر ۷)

تأثیر مورد انتظار اهداف میانه‌رو در پشتیبانی از انضباط بی‌خشونت نیز پشتیبانی محدودی می‌یابد. در هر سه مورد، کارزارها به‌سرعت اهداف انقلابی را بیان کردند. اما در قرقیزستان، در آغاز کارزار، زمانی که اهداف به خواسته‌ی بازشماری محلی آرای انتخابات محدود بود، کنش‌های کارزار مسالمت‌آمیزتر ماند. سطح خشونت زمانی بالا رفت که تمرکز کارزار به برکناری آکایف تغییر کرد. با این حال، منابع روشن نمی‌کنند که آیا افزایش خشونت مستقیماً به بالارفتن خواسته‌ها (اهداف) کارزار مربوط بود یا نه.

انتخاب‌های تاکتیکی برای پرهیز از رویارویی (تأثیر ۸)

انتخاب‌های تاکتیکی برای پرهیز از رویارویی یا دامن‌زدن به آن نیز نقطه‌ی تمایز کلیدی است. به‌ویژه، فروپاشی‌های انضباط بی‌خشونت پیوند نزدیکی با راهبردهایی داشتند که بر «نگه‌داشتن قلمرو» تکیه می‌کردند.

این تاکتیک‌های مداخله در آغاز کارزار قرقیزستان برجسته بودند؛ زمانی که معترضان اپوزیسیون در اوش و جلال‌آباد ساختمان‌های [۶۳] حکومت منطقه‌ای را با خشونت اشغال کردند. نگه‌داشتن این مکان‌های فیزیکی به جزئی اصلی از راهبرد کارزار بدل شد، پاسخ سرکوبگرانه‌ی خشونت‌آمیزی برانگیخت و سپس خشونت واکنشی اپوزیسیون را در پی آورد که می‌خواست زمین ازدست‌رفته را «پس بگیرد». به همین ترتیب، در صربستان، کانون اصلی خشونت زمانی بود که معترضان کوشیدند پارلمان، ایستگاه‌های تلویزیون دولتی و دیگر فضاهای فیزیکی را اشغال کنند.

فروپاشی‌های انضباط بی‌خشونت پیوند نزدیکی با راهبردهایی داشتند که بر «نگه‌داشتن قلمرو» تکیه می‌کردند.

در گرجستان، در مقابل، حفظ اشغال فضای فیزیکی هرگز در مرکز راهبرد جنبش نبود. به جای آن، جنبش معمولاً هنگامی که تهدید به رویارویی می‌شد، از فضاهای مشخص عقب می‌نشست. تنها اشغال رویارویانه‌ی بسیار آشکار و نمادین فضای فیزیکی، یعنی ورود ساکاشویلی به پارلمان، کوتاه بود و تنها زمانی انجام شد که پشتیبانی از رژیم دیگر در حال فروپاشی بود.

معیارهای عضویت که کنشگران خشونت‌طلب را کنار می‌گذارند (تأثیر ۹)

تفاوت‌ها در درون هر کارزار در واکنش به سرکوب، به اهمیت معیارهای عضویت کارزار اشاره دارد. برای نمونه، در صربستان، هرچند سرکوب خشونت‌آمیز سال‌ها نسبتاً پیوسته بود، این نمونه‌های اولیه‌ی سرکوب علیه گروهی کوچک و بهتر آموزش‌دیده از فعالان دانشجو به فروپاشی انضباط بی‌خشونت نینجامید. پویایی سرکوب-خشونت تنها زمانی به کار افتاد که مشارکت از هسته‌ی فعالان به صدها هزار معترض گسترش یافت.

این نشان می‌دهد که کنارگذاری و سرکوب رابطه‌ای برهم‌کنشی دارند. انضباط بی‌خشونت در برابر سرکوب ممکن است با پایگاهی کوچک‌تر و گزینشی‌تر حفظ شود، اما هنگامی که کارزار به اندازه‌ی بزرگ‌تری می‌رسد، سرکوب مستقیم‌تر به فروپاشی انضباط بی‌خشونت می‌انجامد.

بنابراین یک چالش کلیدی این است که چگونه انضباط بی‌خشونت را از یک گروه هسته‌ای متعهد به جمعیت بزرگ‌تر گسترش دهیم؛ و رهبران کارزار باید احتمال فروپاشی انضباط بی‌خشونت در صورت داشتن بدنه‌ی شرکت‌کننده‌ی بزرگ‌تر را در برابر سودهای راهبردی کارزاری بزرگ‌تر بسنجند.

این پرسش ممکن است به مرحله‌ی خاص کارزار مقاومت مدنی مربوط باشد. در مرحله‌ی آغازین، که گروه کوچکی از فعالان متعهد بر کارزار چیره‌اند، حفظ انضباط بی‌خشونت ممکن است کمتر دشوار باشد. اما هنگامی که کارزار به اوج خود می‌رسد و مشارکت بسیار بیشتر می‌شود، انضباط[۶۴] چالشی بزرگ‌تر است. پس تفاوت کلیدی این است که کدام کارزارها می‌توانند انضباط بی‌خشونت را حتی در اوج خود حفظ کنند. هرچند شواهد موردها در این باره قطعی نیست، به‌طور شهودی می‌توان گمان زد که زمان‌بندی و سرعت رشد کارزار ممکن است نقشی داشته باشد. اگر کارزاری به‌سرعت از مرحله‌ی رشد آغازین به اوج فعالیت برسد، گذار از یک گروه هسته‌ای متعهد به یک خیزش مردمی بزرگ ممکن است به فروپاشی انضباط بی‌خشونت بینجامد. بررسی بیشتر این پرسش زمینه‌ی پربار برای پژوهش‌های آینده خواهد بود.

نقش «شاخه‌های مسلح» در مقایسه‌ی این سه کارزار به شکل جالبی زیر پرسش می‌رود. گروه‌های مسلح هم در مورد صربستان و هم در مورد قرقیزستان با کارزارهای مقاومت مدنی پیوند داشتند، هرچند این کارزارها عمدتاً از شرکت‌کنندگان غیرمسلح تشکیل می‌شدند. در قرقیزستان، این گروه‌ها مستقیماً با معترضان غیرمسلح درآمیخته بودند و در چند موقعیت با نیروهای امنیتی درگیر خشونت‌آمیز شدند. در صربستان، از سوی دیگر، نگهبانان مسلح تنها پس از گذشت رویارویی اصلی و برای حفظ ثبات و امنیت عمومی به کار گرفته شدند DOS.

هرچند گفتن آن با قطعیت دشوار است، این گروه‌ها ممکن است با جلوگیری از پیدایش خلأ امنیتی به حفظ انضباط بی‌خشونت در این مرحله‌ی پایانی کمک کرده باشند. اما وجود آنها از آمادگی DOS برای کاربرد خشونت در صورت کاربرد

خشونت علیه خودش نیز حکایت دارد؛ عاملی که ممکن است در مرحله‌ی اوج جنبش انضباط بی‌خشونت را تضعیف کرده باشد.

تنوع بالا (تأثیر ۱۰)

تنوع در هیچ‌یک از این سه مورد به نظر نمی‌رسید تفاوتی ایجاد کند. هرچند کارزارها معمولاً با گروهی کم‌تنوع‌تر آغاز شدند، به‌ویژه در صربستان و گرجستان، در اوج خود هر سه نشانه‌هایی از تنوع بالا در ابعاد گوناگون (سن، جنسیت، منطقه، حزب سیاسی) داشتند. در حالی که در گرجستان این گروه بسیار متنوع انضباط بی‌خشونت بسیار بالایی را حفظ کرد، در قرقیزستان به سطح چشمگیری از خشونت دست زد. هرچند اطلاعات جزئی‌تر ممکن است برخی اثرهای تنوع را آشکار کند، پژوهش مطالعه‌ی موردی در این سطح نتوانست تأثیری را تعیین کند.

۶۵ مجازات کنش خشونت‌آمیز از سوی کارزار (تأثیر ۱۱)

مجازات از سوی کارزار به نظر می‌رسید بر انضباط بی‌خشونت اثر داشته باشد. برای این تأثیر مورد انتظار، مقایسه‌ی صربستان و قرقیزستان مرتبط‌ترین است. در صربستان، هرچند رهبری اپوزیسیون تا حدی آماده‌سازی برای پاسخ خشونت‌آمیز به رژیم را تشویق می‌کرد، رهبران اپوزیسیون و اوتپور در درگیری‌های خشونت‌آمیز مداخله کردند و معترضانی را که «زیاده‌روی» می‌کردند محکوم کردند. هرچند سطح مجازات نسبتاً ناچیز بود، دست‌کم این احساس وجود داشت که اگر کنش معترضان از سطح پذیرفتنی خشونت برای کارزار فراتر رود، امکان مجازات‌شدن هست. در قرقیزستان، در مقابل، رهبران کارزار نه تنها خشونت را بی‌مجازات گذاشتند، بلکه فعالانه سطح معینی از خشونت را تشویق کردند.

سرکوب کنش بی‌خشونت (تأثیر ۱۲)

سرکوب اثری روشن داشت و میان الگوهای سرکوب و فروپاشی انضباط بی‌خشونت همبستگی بسیار نزدیکی دیده می‌شد. در گرجستان، هرچند سرکوب خشونت‌آمیز رخ داد، همیشه بسیار محدود و متوجه رهبران کارزار بود. در صربستان، نیروهای امنیتی از خشونت شدید علیه معترضان خودداری کردند، اما با گاز اشک‌آور و باتوم به آنان حمله کردند و درگیری‌های خشونت‌آمیز را برانگیختند. سرانجام، در قرقیزستان، پلیس و هواداران حکومت با اپوزیسیون نبردهای رودررو کردند.

مدت کارزار (تأثیر ۱۳)

سرانجام، فروپاشی‌های انضباط بی‌خشونت در هر دو کارزاری که رویدادهای خشونت‌آمیز چشمگیری داشتند، رفته‌رفته رایج‌تر شدند. تقریباً همه‌ی فروپاشی‌های انضباط بی‌خشونت در صربستان در آخرین روز کارزار رخ داد، هنگامی که صدها هزار معترض به بلگراد سرازیر شدند. خشونت در قرقیزستان در تظاهرات آغازین بسیار اندک بود، تنها در میانه‌ی کارزار جدی شد و در پایان کارزار، با درگیری‌های بزرگ بیرون کاخ سفید در بیشکک، به اوج رسید.

[م.: در متن اصل این بند بی‌عنوان و پس از بخش سرکوب آمده است؛ عنوان «مدت کارزار» را مترجم بر پایه‌ی سطر «Duration» جدول ۶ افزوده است.]

کارزاری که بالاترین سطح انضباط بی‌خشونت را داشت، یعنی گرجستان، کوتاه‌ترین کارزار از این سه نیز بود و تنها حدود سه هفته فعالیت عمده پیش از کناره‌گیری شواردنادزه داشت. در مقابل، کارزار صربستان چند سال ادامه داشت و اعتراض‌ها در قرقیزستان چند ماه طول کشید.

رابطه‌ی میان طول کارزار و فروپاشی انضباط بی‌خشونت ساده و مستقیم نیست. برای نمونه، کارزار صربستان بسیار طولانی‌تر از کارزار قرقیزستان بود، اما سطح انضباط بی‌خشونت بسیار بالاتری داشت. با این حال، الگوی کلی سه کارزار نشان می‌دهد که فروپاشی‌های انضباط بی‌خشونت با پیشرفت کارزارهای مقاومت مدنی بیشتر و بیشتر رخ می‌دهند.

جدول ۶ (در صفحه‌ی بعد) یافته‌های مطالعه‌ی موردی مقایسه‌ای را خلاصه و ساده می‌کند و آنها را با یافته‌های تحلیل آماری می‌سنجد. چند نقطه‌ی واگرایی وجود دارد، برای نمونه درباره‌ی اثر امتیازها و محیط بیرونی مساعد. امتیازها در مطالعات موردی عموماً با انضباط بی‌خشونت بالاتر همبسته بودند، اما در آزمون آماری با انضباط بی‌خشونت پایین‌تر. با این حال، چنان‌که در بالا بحث شد، به نظر می‌رسد این مسئله‌ی زمان‌بندی است: آزمون‌های آماری امتیازهای فوری‌تر را می‌سنجند و مطالعات موردی بازه‌ی زمانی طولانی‌تری را بررسی می‌کنند. اثر اهداف انقلابی نیز در مطالعات موردی اندکی واگرا بود: انقلاب گل رز، با وجود انقلابی‌بودن، انضباط بی‌خشونت بسیار بالایی داشت. این نشان می‌دهد که هرچند اهداف انقلابی ممکن است حفظ انضباط بی‌خشونت را دشوارتر کنند، چنان‌که یافته‌های آماری نشان دادند، این کار همچنان ممکن است، اگر عوامل دیگری مانند فراخوان‌های پیوسته‌ی کارزار به انضباط بی‌خشونت سخت‌گیرانه حاضر باشند. در مجموع، یافته‌های مقایسه‌ی موردی یافته‌های تحلیل آماری را تکمیل و ژرف‌تر می‌کنند و از الگوهای پیوسته‌ی تأثیر در چند مسیری خبر می‌دهند که نظریه‌ی انضباط بی‌خشونت، که در بخش نخست تک‌نگاری شرح داده شد، پیش‌بینی کرده بود.

۶۷ جدول ۶. یافته‌های مقایسه‌ی موردی و یافته‌های آماری

تأثیر	گرجستان	صربستان	قرقیزستان	نتایج آماری
۱. درگیری تاریخی Historical Conflict	افزایش ا.ب.	افزایش ا.ب.	اثر آشکاری ندارد	افزایش ضعیف
۲. اطلاعات/آموزش Information/Training	افزایش ا.ب.	افزایش ا.ب.	ا.ب. را افزایش نداد	نامربوط
۳. تاکتیک‌های پیشین مقاومت مدنی Past Civil Resistance Tactics	نامربوط	افزایش ضعیف	نامربوط	بی‌اثر
۴. محیط بیرونی مساعد Favorable External Environment	افزایش ا.ب.	افزایش ا.ب.	نامربوط	نامربوط
۵. فراخوان به ا.ب. Appeals for NVD	افزایش ا.ب.	افزایش ضعیف	وجود نداشت	نامربوط
۶. رهبری متمرکز Centralized Leadership	افزایش ا.ب.	اثرهای آمیخته	کاهش ا.ب.	کاهش ا.ب.
۷. اهداف میانه‌رو Moderate Goals	اهداف تند، اما ا.ب. بالا	نامعلوم	افزایش ا.ب.	افزایش ا.ب.
۸. تاکتیک‌های پرهیز از رویارویی Tactics to Avoid Confrontation	افزایش ا.ب.	افزایش ا.ب.	نامربوط	افزایش ضعیف
۹. معیارهای عضویت Membership Criteria	نامربوط	افزایش ا.ب. هنگام وجود	وجود نداشت	نامربوط
۱۰. تنوع Diversity	اثری دیده نشد	اثری دیده نشد	اثری دیده نشد	بی‌اثر
۱۱. مجازات از سوی کارزار Campaign Punishment	نامربوط	افزایش ضعیف	مجازاتی نبود	نامربوط
۱۲. سرکوب Repression	نامربوط	کاهش ا.ب.	کاهش ا.ب.	کاهش ا.ب.
۱۳. مدت Duration	نامربوط	کاهش ا.ب.	کاهش ا.ب.	کاهش ضعیف

بازتولید فارسی جدول اصل، ص ۶۷. «ا.ب.» = انضباط بی‌خشونت (NVD در اصل). «نامربوط» برابر N/A اصل است، یعنی در این مورد یا در آزمون آماری سنجیده نشده یا موضوعیت نداشته است. شماره‌ی سطرها، همان شماره‌ی «تأثیر n» در بخش ۱ است و افزوده‌ی مترجم است.

نتیجه‌گیری [۶۹]

آموخته‌های کاربردی درباره‌ی انضباط بی‌خشونت

این تک‌نگاری نظریه‌ای یکپارچه درباره‌ی انضباط بی‌خشونت عرضه کرده است که با تکیه بر یک مدل ریاضی ساده و بینش‌هایی از ادبیات برگزیده‌ی مقاومت مدنی، تأثیرهای مورد انتظاری را به دست می‌دهد که احتمالاً انضباط بی‌خشونت را پدید می‌آورند و پایدار نگه می‌دارند. تک‌نگاری همچنین اثر این تأثیرهای مورد انتظار را با داده‌های پایگاه NAVCO 3.0 و سه مطالعه‌ی موردی مقایسه‌ای آزموده است. این بخش پایانی یافته‌های اصلی آن آزمون‌ها را خلاصه می‌کند و چند درس «کاربردی» برای پژوهشگران، فعالان و کارشناسان بیرونی در جامعه‌ی مدنی و دنیای سیاست‌گذاری پیش می‌نهد.

یافته‌های مربوط به پژوهشگران

برای پژوهشگران و دانشگاهیان، امید می‌رود این تک‌نگاری پژوهش‌های تازه‌ای درباره‌ی پویایی‌های عوامل گوناگون مؤثر بر انضباط بی‌خشونت در جنبش‌های مقاومت مدنی برانگیزد. هم آزمون آماری و هم تحلیل مطالعه‌ی موردی نخستین برش‌ها در این پرسش مهم‌اند و چند پرسش باز و جالب را برجا می‌گذارند. برای نمونه، این یافته که وحدت کارزار تنها زمانی بر انضباط بی‌خشونت اثر دارد که پیام‌رسانی پیوسته و تعهد روشن رهبران کارزار به کنش بی‌خشونت وجود داشته باشد، می‌تواند زمینه‌ی پرباری برای بررسی بیشتر باشد.

پرسش‌های مهمی درباره‌ی چگونگی پیدایش اولیه‌ی انضباط بی‌خشونت هنوز بی‌پاسخ مانده‌اند. نظریه‌ی تک‌نگاری وضعیتی را فرض می‌گیرد که در آن رهبران کارزار از پیروانشان خواسته‌اند بی‌خشونت بمانند. اما همین انتخاب اولیه‌ی رهبران کارزار پرسشی بزرگ و حل‌نشده است. برنامه‌ی پژوهشی رو به رشدی که می‌کوشد به این پرسش بپردازد[۳۲] می‌تواند از گنجاندن جنبه‌هایی از یافته‌های این تک‌نگاری، مانند اهمیت تفاوت در میزان تعهد رهبری به کنش بی‌خشونت، سود ببرد. تمرکز بر انضباط بی‌خشونت همچنین[۷۰] ارزش بررسی این پرسش را در قالب فرایندی جاری از حفظ یا فرسایش راهبرد مبارزه‌ی یک کارزار نشان می‌دهد.

یافته‌ی مربوط به سطح بالاتر انضباط بی‌خشونت در کارزارهای غیرسلسله‌مراتبی نیز راه را برای پژوهش‌های افزوده‌ی چشمگیر باز می‌کند. استدلال وندی پرلمن (Pearlman 2011) که ساختار یکپارچه و متمرکز کارزار برای بی‌خشونت‌ماندن ضروری است، در این حوزه بسیار اثرگذار بوده است. یافته‌های او را چگونه می‌توان با داده‌هایی آشتی داد که نشان می‌دهند کارزارهای غیرسلسله‌مراتبی با مقداری کشمکش درونی، انضباط بی‌خشونت بیشتری دارند؟ هرچند این تک‌نگاری گمانه‌زنی‌هایی نظری‌ـمستند درباره‌ی چرایی این رابطه عرضه کرده است، برای بیرون‌کشیدن این سازوکارهای علّی و فهم اینکه در چه شرایطی اثرگذار خواهند بود، پژوهش بیشتری لازم است.

> **یافته‌ی مربوط به سطح بالاتر انضباط بی‌خشونت در کارزارهای غیرسلسله‌مراتبی، راه را برای پژوهش‌های افزوده‌ی چشمگیر باز می‌کند.**

یافته‌ی شگفت‌آور اینکه امتیازها با فروپاشی بیشتر انضباط بی‌خشونت همراه‌اند، به‌شدت پژوهش بیشتری را می‌طلبد. هرچند این تک‌نگاری، با الهام از پژوهش پژوهشگرانی مانند کاتلین کانینگهام (Cunningham 2013,

2014)، اندیشه‌هایی درباره‌ی چرایی وقوع چنین پیوسته‌ی این رابطه عرضه کرده، این اندیشه‌ها همچنان بسیار گمانه‌زنانه‌اند. پژوهش کیفی ژرف درباره‌ی کارزارها در زمان‌های بلافاصله پس از امتیازها می‌تواند به روشن‌شدن چرایی این رابطه کمک کند.

تجربه‌های پیشین درگیری خشونت‌آمیز و بی‌خشونت به نظر مهم می‌آیند، اما اثرشان یکدست نیست، چنان‌که در آمار و در مطالعات موردی نشان داده شد. هرچند تجربه‌های گذشته بی‌گمان محاسبه‌ی رهبران کارزار و رژیم را شکل می‌دهند، اثرهای آنها ظریف است. یک جنبه‌ی خاص از تاریخ که در موردها نشان داده شد و شایسته‌ی بررسی علمی بیشتر است، مرکزی‌بودن و بی‌رحمی درگیری خشونت‌آمیز گذشته در تشویق انضباط بی‌خشونت است. پژوهش بیشتر درباره‌ی اینکه ویژگی‌های خاص کارزارهای خشونت‌آمیز و بی‌خشونت گذشته چگونه بر الگوهای آینده‌ی کنش خشونت‌آمیز و بی‌خشونت اثر می‌گذارند، سودمند خواهد بود.

پایه‌ی فردگرایانه‌ی نیرومند نظریه نیز نشان می‌دهد که پژوهش آینده درباره‌ی انضباط بی‌خشونت که از سطح فرد آغاز شود، می‌تواند پربار باشد. نخستین گام در اینجا تولید مقادیر فردی برای عوامل گوناگون گنجانده‌شده در مدل ریاضی است، مانند ترجیح‌های فردی برای کنش بی‌خشونت و خشونت‌آمیز (عامل‌های b_{NV} و b_V). پیمایش، یا مصاحبه‌های فردی ژرف با شرکت‌کنندگان کارزارهای مقاومت مدنی، روش‌های خوبی برای تولید این اطلاعات خواهند بود[۳۲]. گردآوری این اطلاعات در سطح فرد می‌تواند سپس نقطه‌ی ورودی برای دیدن این باشد که تأثیرهای گوناگون چگونه مستقیماً بر این ترجیح‌های شخصی هر شرکت‌کننده در یک کارزار اثر می‌گذارند.

پژوهش‌های مستقیم درباره‌ی اثر آموزش مقاومت مدنی مؤثر، برای فهم اینکه انضباط بی‌خشونت چگونه هم پدید می‌آید و هم پایدار می‌ماند، سودمند خواهد بود. شواهد مطالعات موردی نشان داد که اثر آموزش احتمالاً با ژرفا و کیفیت آن میانجی‌گری می‌شود. اما شواهد عرضه‌شده در اینجا تنها اشاره‌گرند و پرسش‌های افزوده‌ی بسیاری را باز می‌گذارند. کدام جنبه‌های آموزش مقاومت مدنی در تشویق انضباط بی‌خشونت به‌ویژه حیاتی‌اند؟ برای نمونه، آیا مهم‌تر است که رهبران کارزار در پویایی‌های کلی مقاومت مدنی آموزش ببینند، یا اینکه به شرکت‌کنندگان کارزار تجربه‌ی عملی پاسخ بی‌خشونت به سرکوب داده شود؟ آیا یک جلسه‌ی آموزشی کوتاه به سبک سخنرانی می‌تواند بر رفتار یک کارزار مقاومت مدنی اثر بگذارد؟ یا پیش از آنکه اثرها بر رفتار کارزار دیده شود، یک برنامه‌ی آموزشی طولانی‌تر و فشرده‌تر لازم است؟ چند سازمان، مانند مرکز کنش و راهبردهای بی‌خشونت کاربردی (CANVAS)، مرکز بین‌المللی منازعه‌ی بی‌خشونت (ICNC) و Rhize، به شکل‌های گوناگون آموزش مقاومت مدنی می‌دهند. فهم بهتر اینکه الگوهای گوناگون آموزش چگونه بر انضباط بی‌خشونت اثر می‌گذارند، می‌تواند سهم علمی مهمی در تلاش‌های آنها داشته باشد.

سرانجام، هرچند این تک‌نگاری شمار زیادی از تأثیرهای احتمالی را بررسی کرده است، این مجموعه به هیچ رو کامل نیست. شماری از عوامل افزوده که در این پژوهش بررسی نشده‌اند، ممکن است به‌طور پذیرفتنی اثرهای پیوسته و قابل‌اتکایی بر انضباط بی‌خشونت داشته باشند.

یک مسیر مهم برای کاوش، اثر جنسیت بر انضباط بی‌خشونت است[۳۳]. هرچند سهم زنان بارها نادیده مانده است، مشارکت آنان در پیدایش، رشد و موفقیت بسیاری از کارزارهای مقاومت مدنی حیاتی بوده است (McAllister 1988). از رهبران الهام‌بخشی چون کورازون آکینو در فیلیپین و توکل کرمان در یمن تا پیشگامان دلیری چون روزا پارکس در

ایالات متحده یا مادران میدان مایو در آرژانتین، داستان مقاومت مدنی بارها داستان زنان بوده است. افزون بر این، چنان‌که کودور و کینگ می‌گویند، در بسیاری از جنبش‌ها «زنان اغلب بهترین نگهبانان انضباط بی‌خشونت‌اند» (Codur and King 2014, 433). هرچند پیچیدگی‌های هنجارهای جنسیتی بی‌گمان بسته به زمینه‌ی فرهنگی متفاوت است، زنان ممکن است در بسیاری از موقعیت‌ها[۷۲] کمتر در معرض «فرهنگ جنگاوری» مردانه‌ای باشند که پاسخ‌های خشونت‌آمیز به بی‌عدالتی را تشویق می‌کند (Bartkowski 2013). از این رو ممکن است در حفظ انضباط بی‌خشونت تاب‌آورتر باشند. کاوش اثرهای خاص جنسیت بر انضباط بی‌خشونت، و نیز برتری‌های راهبردی‌ای که فراهم‌کردن تنوع جنسیتی به مقاومت مدنی می‌بخشد، پرسشی حیاتی است که بررسی بیشتری می‌طلبد.

تأثیر احتمالی مهم دیگری که در این پژوهش مدل نشده، اثر رفتار دیگر شرکت‌کنندگان کارزار است.[۳۴] هرچند تک‌نگاری اثر رفتار رهبران را بررسی می‌کند، فعالان فردی نیز ممکن است به‌شدت از انتخاب‌های دیگر فعالان کارزار اثر بپذیرند. حفظ انضباط بی‌خشونت احتمالاً بسیار آسان‌تر است اگر همه‌ی اطرافیانتان همین کار را بکنند. بنابراین، احتمال انتخاب هر فرد برای حفظ انضباط بی‌خشونت ممکن است برابر نباشد؛ بلکه الگوهای انضباط بی‌خشونت و فروپاشی آن ممکن است الگوهای آبشاری داشته باشند، چون شرکت‌کنندگان کارزار از هم‌قطارانشان پیروی می‌کنند. این ممکن است به‌ویژه در پیوند با این یافته مهم باشد که کارزارهای غیرسلسله‌مراتبی معمولاً انضباط بی‌خشونت بالاتری دارند، چون نبود ساختار سلسله‌مراتبی ممکن است به اثر هم‌قطاران اجازه دهد پررنگ‌تر شود.

یافته‌های مربوط به فعالان

برای سازمان‌دهندگانی که درگیر مقاومت مدنی‌اند، مهم‌ترین و پیوسته‌ترین یافته‌ی آزمون‌های کمّی و کیفی، چالش سرکوب است. انضباط بی‌خشونت بیش از هر جا و به شدیدترین شکل در کنش‌های مقاومت مدنی پس از سرکوب خشونت‌آمیز فرو می‌پاشد. هرچند این ممکن است برای فعالان شگفت‌آور نباشد، پیچشی در روایت سنتی منتقدان کنش بی‌خشونت پیش می‌نهد. مسئله این نیست که مقاومت مدنی به موفقیت نمی‌رسد و مخالفان بی‌خشونت را به انتخاب تاکتیک‌های خشونت‌آمیز می‌راند. بلکه سرکوب، حفظ انضباط بی‌خشونت را در میانه‌ی بسیج مقاومت مدنی به چالشی پیوسته بدل می‌کند و به فروپاشی در فرایندهای مقاومت مدنی می‌انجامد.

> **سرکوب، حفظ انضباط بی‌خشونت را در میانه‌ی بسیج مقاومت مدنی به چالشی پیوسته بدل می‌کند و به فروپاشی در فرایندهای مقاومت مدنی می‌انجامد.**

[۷۳] شواهد آماری گونه‌ی دیگری از یک روایت رایج درباره‌ی رابطه‌ی سرکوب و تضعیف انضباط بی‌خشونت را نیز پیش نهاد. فروپاشی‌های انضباط بی‌خشونت معمولاً بلافاصله پس از سرکوب رخ نمی‌دهند، بلکه زمانی محتمل‌تر می‌شوند که سرکوب در طول شمار زیادی از کنش‌های بی‌خشونت گذشته ادامه یافته باشد. این نشان می‌دهد که فروپاشی‌های انضباط بی‌خشونت پس از سرکوب، به‌طور میانگین، صرفاً «برآشفتن» موردی و خودجوش نیستند، بلکه پاسخ‌های درازمدت پیش‌بینی‌پذیرتری به محیط سیاسی دگرگون‌شونده و خشن‌تر هستند. این به‌طور غیرمستقیم و تا اندازه‌ای خوش‌بینانه نشان می‌دهد که فعالان ممکن است زمان داشته باشند، شاید به اندازه‌ی چند هفته و چند ماه، تا پیش از آنکه فروپاشی انضباط بی‌خشونت در نتیجه‌ی سرکوب به واقعیت بدل شود، راهبردهای خود را بازتنظیم کنند.

پس پرسش روشن این است که کارزارها چه می‌توانند بکنند تا این پویایی سرکوب ← فروپاشی انضباط بی‌خشونت ← چیرگی خشونت به کار نیفتد. در این باره، شواهد کمّی نشان می‌دهد که ویژگی‌هایی از کارزار مانند سلسله‌مراتب و وحدت آشکار ممکن است در واقع نتیجه‌ی معکوس بدهند. به جای آن، کارزارهای غیرسلسله‌مراتبی که اختلاف‌نظرهای آشکار بر سر سیاست یا ایدئولوژی را مجاز می‌دانستند، به حفظ سطح بالاتر انضباط بی‌خشونت کمک کردند. این نشان می‌دهد کارزارهایی که در آنها شرکت‌کنندگان فردی احساس مالکیت بیشتری دارند، به جای صرفاً اطاعت از دستورها، ممکن است انگیزه‌ی فعالان را برای بی‌خشونت‌ماندن بیشتر کنند. سازمان‌دهندگان و کنشگرانی که می‌خواهند پیروانشان را به بی‌خشونت‌ماندن برانگیزند، خردمندانه است که بر ساختن ساختارهای فراگیری تمرکز کنند که احساس مالکیت پدید می‌آورند و اجازه می‌دهند اختلاف‌ها به بحث گذاشته و حل‌وفصل شوند، نه سرکوب.

شواهد مطالعات موردی به روشن‌ترشدن این تصویر کمک می‌کند. در هر سه مورد، رهبری متمرکز و سلسله‌مراتبی تنها زمانی به پدیدآمدن انضباط بی‌خشونت کمک کرد که خود آن رهبری آشکارا و پیوسته به حفظ راهبردی ناب بی‌خشونت متعهد بود. رهبری ممکن است بسیار متمرکز باشد و کشمکش درونی اندکی داشته باشد، چنان‌که در قرقیزستان بود، اما اگر رهبری به‌طور کامل به مقاومت بی‌خشونت متعهد نباشد، این امر انضباط بی‌خشونت را تشویق نمی‌کند.

یافته‌ی شگفت‌آور اینکه امتیازها با فروپاشی بیشتر انضباط بی‌خشونت همراه‌اند، هشداری برای کنشگران کنش بی‌خشونت است. هرچند پیامدهای مشخص این یافته، چنان‌که گفته شد، مبهم مانده و پژوهش بیشتری لازم است، استحکام آماری بالای آن نشان می‌دهد که این الگویی واقعی و پیوسته در میان کارزارهای بسیار گوناگون است، و از این رو چیزی است که فعالان باید عموماً از آن آگاه باشند و برایش آماده شوند. کارزارهایی که امتیاز به دست می‌آورند باید مراقب باشند که «بر افتخاراتشان تکیه نزنند» یا بی‌جهت[۷۴] به شکلی جشن نگیرند که تمرکزشان را از دست بدهند. به جای آن، باید همچنان اطمینان یابند که هر آنچه در توان دارند برای حفظ شتاب، وحدت و انضباط بی‌خشونت به کار می‌برند. همچنین باید مراقب باشند که امتیازها به بسیج‌زدایی از میانه‌روها نینجامند، یا شکاف‌هایی در جنبش پدید نیاورند که دست گروه‌های تندروتر و خشونت‌طلب را برای پیگیری تاکتیک‌های خشونت‌آمیز بازتر کند (Cunningham 2014). طراحی راهبردهایی برای آمادگی در برابر این اثرهای منفی احتمالی امتیازها، برای جنبش‌هایی که می‌خواهند انضباط بی‌خشونت را حفظ کنند حیاتی است.

درباره‌ی تاکتیک‌های خاص، برخی شواهد آماری جزئی به نظر نشان می‌دهند که اعتصاب‌ها کمتر از اعتراض‌ها یا تحصن‌ها به فروپاشی انضباط بی‌خشونت می‌انجامند، اما این شواهد نسبتاً ضعیف است. با این حال، با پیوند این شواهد به مطالعات موردی، تصویر روشن‌تری پدیدار می‌شود. انتخاب تاکتیک‌ها برای پرهیز از رویارویی فیزیکی مستقیم، مسئله‌ی ساده‌ی انتخاب میان «اعتصاب یا تحصن» نیست. هیچ راه‌حل تاکتیکی «یک‌اندازه‌برای‌همه» برای پیشبرد انضباط بی‌خشونت وجود ندارد. بلکه انتخاب‌های تاکتیکی عمیقاً به زمینه وابسته‌اند. چنان‌که در گرجستان، تاکتیک‌های رویارویانه‌ی فیزیکی ممکن است زمانی مناسب‌تر باشند که اطمینان بیشتری هست که نیروهای امنیتی سرکوب خشونت‌آمیز به کار نخواهند برد؛ در حالی که هنگامی که سرکوب محتمل است، شاید خردمندانه باشد که از مداخله‌های رویارویانه عقب کشید و به تاکتیک‌های عدم همکاری و پراکندگی تکیه کرد.

یافته‌های مربوط به جامعه‌ی مدنی و سیاست‌گذاران

سرانجام، یافته‌های این تک‌نگاری چه چیزی برای کارشناسان بیرونی جامعه‌ی مدنی یا سیاست‌گذاری دارد، به‌ویژه آنهایی که ممکن است برای کمک به کارزارهای مقاومت مدنی فراخوانده شوند؟

نخست، یافته‌های تک‌نگاری نشان می‌دهد که آموزش مقاومت مدنی باید با دقت برنامه‌ریزی و سنجیده شود. صرفاً تسهیل گسترش اطلاعات ممکن است برای رساندن پیام‌های حیاتی، مانند اهمیت انضباط بی‌خشونت، کافی نباشد. به جای آن، کنشگران بیرونی علاقه‌مند به گسترش دانش مقاومت مدنی باید مراقب باشند که آموزش‌های دقیق‌تر و جامع‌تر را تشویق کنند.

دوم، یافته‌های مربوط به سرکوب بر اهمیت فشار بر رژیم‌هایی تأکید دوباره می‌کند که حق مردمشان برای تشکل آزاد را محترم نمی‌شمارند؛ با روش‌هایی مانند رسواسازی و تهدید یا کاربرد تحریم، به‌ویژه هنگامی که حکومت‌ها علیه معترضان غیرمسلح و مسالمت‌جو خشونت به کار می‌برند. نکته‌ی حیاتی این است که حتی کاهش‌های میانه در بسامد و شدت سرکوب می‌تواند اثرهای مثبت مهمی بر جنبش‌ها داشته باشد. بنابراین، دیپلمات‌ها، فعالان بین‌المللی حقوق بشر و دیگران [۷۵] اگر نتوانند سرکوب مقاومت مدنی مسالمت‌آمیز را به‌طور کامل مهار کنند، نباید ناامید شوند. حتی دستاوردهای اندک می‌تواند به فروپاشی‌های بسیار کمتر انضباط بی‌خشونت در میان فعالان، و در نتیجه به سیاست داخلی مسالمت‌آمیزتر و دگرگون‌سازتر، بینجامد.

سوم، اگر کنشگران بین‌المللی در جایگاهی باشند که بتوانند به کارزارهای مقاومت مدنی کمک کنند، باید این کار را زود انجام دهند. یا دست‌کم نباید صبر کنند تا کارزار مدت درازی ادامه یابد. هرچه کارزارها طولانی‌تر شوند، فروپاشی انضباط بی‌خشونت محتمل‌تر می‌شود.

> **اگر کنشگران بین‌المللی در جایگاهی باشند که بتوانند به کارزارهای مقاومت مدنی کمک کنند، باید این کار را زود انجام دهند.**

چهارم، یافته‌های تک‌نگاری نشان می‌دهند که کنشگران بیرونی، هنگام ارزیابی اینکه از کدام جنبش‌ها پشتیبانی کنند، نباید با شتاب جنبش‌هایی را کنار بگذارند که ممکن است ساختار سلسله‌مراتبی نداشته باشند یا اختلاف‌های درونی چشمگیری داشته باشند. هرچند تعامل کنشگران بیرونی با جنبش‌هایی بدون یک رهبر واحد و ساختار سلسله‌مراتبی ممکن است دشوارتر باشد، این کارزارها در واقع ممکن است احتمال بیشتری داشته باشند که بی‌خشونت و در نتیجه در درازمدت مؤثر بمانند.

مطالعه‌ی مقاومت مدنی هنوز در مراحل آغازین خود است و چیزهای بسیاری نامعلوم یا مبهم مانده است. اما در دورانی که شاید اقتدارگرایی دوباره در حال خیزش است (Burrows and Stephan 2015)، فهم چالش‌ها و توانایی‌های مقاومت مدنی و نیروی پیش‌برنده‌ی انضباط بی‌خشونت، بیش از همیشه مهم است. امید نویسنده این است که این تک‌نگاری حتی به شکلی کوچک به ساختن دانشی پیچیده کمک کند که بتوان آن را برای تشویق آزادی و عدالت به کار برد.

پایان بخش ۴ و پایان تک‌نگاری. نسخه‌ی یکپارچه‌ی هر چهار بخش (خلاصه و فصل ۱، فصل ۲ و پیوست آماری، فصل ۳، و فصل ۴ با نتیجه‌گیری و کتاب‌شناسی) هم‌زمان با این بخش منتشر می‌شود.

پانوشت‌ها (به زبان اصلی، با شماره‌ی اصل)

32. See for example Asal et al 2013, Bakke 2010, Cunningham 2013, Lawrence 2010, Pearlman 2011.

33. Thanks to an anonymous reviewer for suggesting this.

34. Thanks to Brian Martin for suggesting this potential influence.

پانوشت ۳۲ به «برنامه‌ی پژوهشی رو به رشد» درباره‌ی انتخاب اولیه‌ی رهبران (بخش «یافته‌های مربوط به پژوهشگران»)، پانوشت ۳۳ به جمله‌ی «اثر جنسیت بر انضباط بی‌خشونت» و پانوشت ۳۴ به «اثر رفتار دیگر شرکت‌کنندگان کارزار» وصل است. با این سه، همه‌ی ۳۴ پانوشت اصل در چهار بخش آمده‌اند.

کتاب‌شناسی (به زبان اصلی)

فهرست منابع عیناً از اصل (صص ۹۰–۹۹) آمده است. نشانگرهای [p. n] آغاز هر صفحه‌ی اصل را نشان می‌دهند. اصل دو فهرست دارد: «منابع مورد استناد» و «منابع مطالعات موردی».

Cited Literature

[p. 90] Ackerman, Peter, and Berel Rodal. “The Strategic Dimensions of Civil Resistance.” Survival 50, no. 3 (2008): 111-26.

Ackerman, Peter, and Christopher Kruegler. Strategic Nonviolent Conflict: The Dynamics of People Power in the 20th Century. Westport, CT: Praeger Publishers, 1993.

Ackerman, Peter, and Jack DuVall. A Force More Powerful: A Century of Nonviolent Conflict. New York, NY: Palgrave, 2000.

—. “The Right to Rise Up: People Power and the Virtues of Civic Disruption.” The Fletcher Forum of World Affairs 30, no. 2 (2006): 33-42.

Asal, Victor, Richard Legault, Ora Szekely, and Jonathan Wilkenfeld. “Gender Ideologies and Forms of Contentious Mobilization in the Middle East.” Journal of Peace Research 50, no. 3 (2013): 305-18.

Bakke, Kristin M. “The Turn to Violence in Self-Determination Struggles in Chechnya and Punjab.” In Erica Chenoweth and Adria Lawrence, eds. Rethinking Violence: States and Non-State Actors in Conflict. Cambridge, MA: MIT Press, 2010, pp. 221-48.

Bartkowski, Maciej J., ed. Recovering Nonviolent History: Civil Resistance in Liberation Struggles. Boulder, CO: Lynne Reiner Publishers, 2013.

Bartkowski Maciej, and Julia Taleb. “Myopia of the Syrian Struggle and Key Lessons,”

In Mathew Burrows and Maria Stephan (ed.) Is Authoritarianism Staging a Comeback? Washington, DC: Atlantic Council Publication, 2015.

Batstone, Jade. “The Use of Strategic Nonviolent Action in the Arab Spring.” Peace Review 26, no. 1 (2014): 28-37.

Beyerle, Shaazka M. Curtailing Corruption: People Power for Accountability and Justice. Boulder, CO: Lynne Reiner Publishers, 2014.

Bond, Douglas G. “The Nature and Meanings of Nonviolent Direct Action: An Exploratory Study.” Journal of Peace Research 25, no. 1 (1988): 81-89.

Boserup, Anders, and Andrew Mack. War Without Weapons: Non-Violence in National Defense. New York, NY: Schocken Books, 1974.

Braithwaite, Alex, Jessica Maves Braithwaite, and Jeffrey Kucik. “The Conditioning Effect of Protest History on the Emulation of Nonviolent Conflict.” Journal of Peace Research 52, no. 6 (2015): 697-711.

Burrowes, Robert J. The Strategy of Nonviolent Defense: A Gandhian Approach. Albany, [p. 91] NY: State University of New York Press, 1996.

Burrows, Mathew and Maria J. Stephan, eds. Is Authoritarianism Staging a Comeback? Washington, DC: The Atlantic Council, 2015.

Butcher, Charles R., and Isak Svensson. “Manufacturing Dissent: Modernization and the Onset of Major Nonviolent Resistance Campaigns.” Journal of Conflict Resolution, 2014.

Canon, Gabrielle, and Bryan Schatz. “ ‘Black Lives Matter’ Aspires to Reclaim the Legacy of Martin Luther King Jr.” Mother Jones (January 18, 2015). Accessed 1/30/15 at http://www.motherjones.com/politics/2015/01/black-lives-matter-martin-luther-king-day-civil-rights-protests.

Chenoweth, Erica. Nonviolence and Violent Campaigns and Outcomes (NAVCO) Data Project Version 2.1 Codebook. Denver, CO: Josef Korbel School of International Studies, 2015.

Chenoweth, Erica, and Jay Ulfelder. “Can Structural Conditions Explain the Onset of Nonviolent Uprisings?” Journal of Conflict Resolution, 2015: 1-27.

Chenoweth, Erica; Jonathan Pinckney, and Orion Lewis. “Days of Rage: introducing the NAVCO 3.0 Data.” Working Paper. 2016.

Chenoweth, Erica, and Kurt Schock. “Do Contemporaneous Armed Challenges Affect the Outcome of Mass Nonviolent Campaigns?” Mobilization 20, no. 3 (2015): 1-25.

Chenoweth, Erica, and Maria Stephan. Why Civil Resistance Works: The Strategic Logic of Nonviolent Conflict. New York, NY: Columbia University Press, 2011.

Chenoweth, Erica, and Orion Lewis. “Unpacking Nonviolent Campaigns: Introducing the NAVCO 2.0 Data.” Journal of Peace Research 50, no. 3 (2013): 415-23.

Clements, Kevin P. “Principled Nonviolence: An Imperative, Not an Optional Extra.” Asian Journal of Peacebuilding 3, no. 1 (2015): 1-17.

Codur, Anne-Marie, and Mary Elizabeth King. “Women and Civil Resistance,” in Women, War and Violence: Topography, Resistance and Hope, vol. 2, ed. Lester R. Kurtz and Mariam M. Kurtz. Santa Barbara, CA: Praeger Publishing, Inc., 2014.

Cunningham, Kathleen G., “Understanding Strategic Choice: The Determinants of Civil War and Nonviolent Campaigns in Self-Determination Disputes.” Journal of Peace Research 50, no. 3 (2013): 291-304.

—. “Actor Fragmentation and Civil War Bargaining: How Internal Divisions Generate Civil Conflict.” American Journal of Political Science 57, no. 3 (2013): 659-72.

[p. 92] —. Inside the Politics of Self-Determination. New York, NY: Oxford University Press, 2014.

Cunningham, Kathleen G. and Emily Beaulieu. “Dissent, Repression, and Inconsistency.” In Erica Chenoweth and Adria Lawrence, ed. Rethinking Violence: States and Non-State Actors in Conflict. Cambridge, MA: MIT Press, 2010.

Day, Elizabeth. “#BlackLivesMatter: The Birth of a New Civil Rights Movement.” The Guardian (July 19, 2015). Accessed 1/30/15 at http://www.theguardian.com/ world/2015/jul/19/blacklivesmatter-birth-civil-rights-movement.

Day, Joel, Jonathan Pinckney, and Erica Chenoweth. “Collecting Data on Nonviolent Action: Lessons Learned and Ways Forward.” Journal of Peace Research 52, no. 1 (2015): 129-33.

Galtung, Johan. “Violence, Peace, and Peace Research.” Journal of Peace Research 6, no. 3 (1969): 167-91.

Gandhi, Mohandas K. The Collected Works of Mahatma Gandhi, Vols 1-98. New Delhi, India: Publications Division Government of India, 1999.

Garrow, David J. Bearing the Cross: Martin Luther King Jr., and the Southern Christian Leadership Conference. New York, NY: Perennial Classics, 1986.

George, Alexander L., and Andrew Bennett. Case Studies and Theory Development in the Social Sciences. Cambridge, MA: MIT Press, 2005.

Gleditsch, Kristian Skrede and Mauricio Rivera. “The Diffusion of Nonviolent Campaigns.” Journal of Conflict Resolution (online), 2015.

Gregg, Richard B. The Power of Non-Violence. London, UK: George Routledge and Sons, 1935.

Hallward, Maia Carter. Transnational Activism and the Israeli-Palestinian Conflict. New York, NY: Palgrave Macmillan, 2013.

Helvey, Robert. On Strategic Nonviolent Conflict: Thinking About The Fundamentals. Boston, MA: The Albert Einstein Institution, 2004.

Hess, David, and Brian Martin. “Repression, Backfire, and the Theory of Transformative Events.” Mobilization 11, no. 1 (2006): 249-267.

Howes, Dustin Ells. “The Failure of Pacifism and the Success of Nonviolence.” Perspectives on Politics 11, no. 2 (2013): 427-46.

Isaac, Larry W., Daniel B. Cornfield, Dennis C. Dickerson, James M. Lawson, and Jonathan S. Colet. “‘Movement Schools’ and the Diffusion of Nonviolent Praxis: Nashville Workshops in the Southern Civil Rights Movement.” In Sharon Erickson Nepstad and Lester R. Kurtz, ed. Nonviolent Conflict and Civil Resistance (Research in Social [p. 93] Movements, Conflicts, and Change, vol. 34). Bingley, UK: Emerald Group Publishing, 2012.

Iyer, Raghavan N. The Moral and Political Thought of Mahatma Gandhi. New York, NY: Oxford University Press, 1973.

King Jr., Martin Luther. “The Power of Non-Violence,” Lecture, University of California, Berkely, CA, June 4, 1957. Accessed 4/1/16 from http://www.thekingcenter.org/ archive/document/power-nonviolence#.

King, Mary Elizabeth. “A Note About Jiu-Jitsu.” In Mahatma Gandhi and Martin Luther King, Jr. The Power of Nonviolent Action, 2nd edition. New Delhi, India: Indian Council for Cultural Relations and Mehta Publishers, 2002.

—. A Quiet Revolution: The First Palestinian Intifada and Nonviolent Resistance. New York, NY: Nation Books, 2009.

—. Gandhian Nonviolent Struggle and Untouchability in South India: The 1924-25 Vykom Satyagraha and the Mechanisms of Change. New York, NY: Oxford University Press, 2014.

Kitschelt, Herbert P. “Political Opportunity Structures and Political Protest: Anti-Nuclear Movements in Four Democracies.” British Journal of Political Science 16, no. 1 (1986): 57-85.

Lawrence, Adria. “Driven to Arms? The Escalation of Violence in Nationalist Conflicts.” In Erica Chenoweth and Adria Lawrence, eds. Rethinking Violence: States and Non-State Actors in Conflict. Cambridge, MA: MIT Press, 2010, pp. 143-172.

Lichbach, Mark Irving. The Rebel’s Dilemma. Ann Arbor, MI: University of Michigan Press, 1995.

—. “Deterrence or Escalation? The Puzzle of Aggregate Studies of Repression and Dissent.” Journal of Conflict Resolution 31, no. 2 (1987): 266-98.

Marshall, Monty G. The Polity IV Annual Time-Series, 1800-2014, Dataset. 2015. http://www.systemicpeace.org/inscr/p4v2014.xls (accessed November 24, 2015).

Martin, Brian. Justice Ignited: The Dynamics of Backfire. Lanham, MD: Rowman and Littlefield, 2007.

Martinez, Mario Lopez. “Nonviolence in Social Sciences: Towards a Consensual Definition.” Revista de Paz y Conflictos 8, no. 1 (2015): 63-81.

Mattaini, Mark. Strategic Nonviolent Power: The Science of Satyagraha. Edmonton: Athabasca University Press, 2013.

May, Todd. Nonviolent Resistance: A Philosophical Introduction. Malden, MA: Polity [p. 94] Press, 2015.

McAdam, Doug. Political Process and the Development of Black Insurgency, 1930-1970. Chicago, IL: University of Chicago Press, 2010.

McAllister, Pam. You Can’t Kill the Spirit: Stories of Women and Non-Violent Action. Philadelphia, PA: New Society Publishers, 1988.

McDermott, Rose, Chris Dawes, Elizabeth Prom-Wormley, Lindon Eaves, and Peter K. Hatemi. “MAOA and Aggression: A Gene-Environment Interaction in Two Populations.” Journal of Conflict Resolution 57, no. 6 (2013): 1043-64.

Mill, John Stuart. A System of Logic: Rationcinative and Inductive, Vol 1. London: Parker, 1856.

Moore, Will H. “Repression and Dissent: Substitution, Context, and Timing.” American Journal of Political Science 42, no. 3 (1998): 851-73.

Nepstad, Sharon Erickson. Nonviolent Revolutions: Civil Resistance in the Late 20th Century. Oxford, England: Oxford University Press, 2011.

—. Nonviolent Struggle: Theories, Strategies, & Dynamics. New York, NY: Oxford University Press, 2015.

Pearlman, Wendy. Violence, Nonviolence, and the Palestinian National Movement. Cambridge, UK: Cambridge University Press, 2011.

Popovic, Srdja, Slobodan Djinovic, Andrej Miliojevic, Hardy Merriman, and Ivan Marovic. CANVAS Core Curriculum: A Guide to Effective Nonviolent Struggle. Belgrade, Serbia: Center for Applied Nonviolent Action and Strategies, 2007.

Riker, William H. “The Political Psychology of Rational Choice Theory.” Political Psychology 16, no. 1 (1995): 23-44.

Roberts, Adam, and Timothy Garton Ash. Civil Resistance and Power Politics: The Experience of Non-Violent Action from Gandhi to the Present. Oxford, England: Oxford University Press, 2009.

Schock, Kurt. Unarmed Insurrections: People Power Movements in Nondemocracies. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press, 2005.

—. Civil Resistance Today. Malden, MA: Polity Press, 2015.

Schrodt, Philip A. “CAMEO: Conflict and Mediation Event Observations Event and Actor Codebook.” Computational Event Data System. March 2012. http:// eventdata.parusanalytics.com/cameo.dir/CAMEO.Manual.1.1b3.pdf (accessed November 22, 2015).

Sharp, Gene. The Political Equivalent of War: Civil Defence. New York, NY: Carnegie [p. 95] Endowment for International Peace, 1965.

—. The Politics of Nonviolent Action. Boston, MA: Porter Sargent Publishers, Inc., 1973.

—. Gandhi as Political Strategist: With Essays on Ethics and Politics. Boston, MA: Porter Sargent Publishers, Inc, 1979.

—. “Nonviolent Action.” In Lester R. Kurtz and Jennifer E. Turpin, Encyclopedia of Violence, Peace, and Conflict, vol. 2. San Diego, CA: Academic Press, 1999.

—. Waging Nonviolent Struggle: 20th Century Practice and 21st Century Potential. Boston, MA: Porter Sargent Publishers, Inc., 2005.

Shridharani, Krishnalal. War Without Violence: A Study of Gandhi's Method and Its Accomplishments. New York, NY: Harcourt Brace, 1939.

Sorensen, Majken Jul, and Stellan Vinthagen. "Nonviolent Resistance and Culture." Peace & Change 37, no. 3 (2012): 444-70.

Steenbergen, Marco R., and Bradford S. Jones. "Modeling Multilevel Data Structures." American Journal of Political Science 46, no. 1 (2002): 218-37.

Stephan, Maria. "Fighting for Statehood: The Role of Civilian-Based Resistance in the East Timorese, Palestinian, and Kosovo Albanian Self-Determination Movements." Fletcher Forum For World Affairs 30, no. 2 (2006): 57-79.

Summy, Ralph. "Nonviolence and the Case of the Extremely Ruthless Opponent." Global Change, Peace & Security 6, no. 1 (1994): 1-29.

Sutton, Jonathan, Charles R. Butcher, and Isak Svensson. "Explaining Political Jiu-Jitsu: Institution-Building and the Outcomes of Regime Violence Against Unarmed Protests." Journal of Peace Research 51, no. 5 (2014): 559-73.

Tarrow, Sidney. "Cycles of Collective Action: Between Moments of Madness and the Repertoire of Contention." Social Science History 17, no. 2 (1993): 281-307.

—. Power in Movement: Social Movements and Contentious Politics. Cambridge, England: Cambridge University Press, 1998.

Tilly, Charles. From Mobilization to Revolution. Reading, MA: Addison Wesley Publishing Company, 1978.

Weber, Thomas. " 'The Marchers Simply Walked Forward Until Struck Down:' Nonviolent Suffering and Conversion." Peace & Change 18, no. 3 (1993): 267-89.

White, Peter B., Dragana Vidovic, Belen Gonzalez, Kristian Skrede Gleditsch, and David E. Cunningham. "Nonviolence as a Weapon of the Resourceful: From Claims to Tactics in Mobilizations." Mobilization: An International Quarterly 20, no. 4 (2015): 471-91.

[p. 96] Wood, Elisabeth Jean. Insurgent Collective Action and Civil War in El Salvador. Cambridge, UK: Cambridge University Press, 2003.

Zunes, Stephen. "Unarmed Insurrections Against Authoritarian Governments in the Third World: A New Kind of Revolution." Third World Quarterly, 1994: 403-26.

—. "The Role of Non-Violent Action in the Downfall of Apartheid." The Journal of Modern African Studies 37, no. 1 (1999): 137-69.

Zunes, Stephen, Lester R. Kurtz, and Sarah Beth Asher. Nonviolent Social Movements: A Geographical Perspective. Malden, MA: Blackwell Publishers, 1999.

Case Study References

In addition to the sources below, the author conducted a general review of all of the articles from various news sources during the peak periods of the campaigns in question. My sources were Agence France Presse – English, The New York Times, The Guardian, The Wall Street Journal, and the Christian Science Monitor. For Serbia I ran the search for September 24, 2000 through October 5, 2000. For Georgia I ran the search for November 1, 2003 through November 24, 2003. For Kyrgyzstan I ran the search for February 1, 2005 through March 24, 2005.

[م.: ترجمه‌ی یادداشت بالا: افزون بر منابع زیر، نویسنده همه‌ی مقاله‌های چند رسانه‌ی خبری را در دوره‌های اوج کارزارهای مورد بحث مرور کرده است: خبرگزاری فرانسه (انگلیسی)، نیویورک تایمز، گاردین، وال‌استریت ژورنال و کریستین ساینس مانیتور. بازه‌ی جست‌وجو برای صربستان ۲۴ سپتامبر تا ۵ اکتبر ۲۰۰۰، برای گرجستان ۱ تا ۲۴ نوامبر ۲۰۰۳ و برای قرقیزستان ۱ فوریه تا ۲۴ مارس ۲۰۰۵ بود.]

[p. 97] Anjaparidze, Zaal. "Georgian Advisors Stepping Forward in Bishkek." Eurasia Daily Monitor, March 24, 2005.

Beissinger, Mark. "Structure and Example in Modular Political Phenomena: The Diffusion of Bulldozer/Rose/Orange/Tulip Revolutions." Perspectives on Politics 5, no. 2 (2007): 259-76.

Binnendijk, Anika Locke, and Ivan Marovic. "Power and Persuasion: Nonviolent Strategies to Influence State Security Forces in Serbia (2000) and Ukraine (2004)." Communist and Post-Communist Studies 39, no. 3 (2006): 411-29.

Bujosevic, Dragan, and Ivan Radovanovic. The Fall of Milosevic: The October 5th Revolution. New York: Palgrave Macmillan, 2003.

Bunce, Valerie J., and Sharon L. Wolchik. Defeating Authoritarian Leaders in Postcommunist Countries. Cambridge, England: Cambridge University Press, 2011.

Fairbanks, Charles. “Georgia’s Rose Revolution.” Journal of Democracy 15, no. 2 (2004): 110-24.

Finn, Peter. “Kyrgyz Protesters Seize Sites in South: Growing Anti-Government Unrest Follows Charges of Recent Electoral Fraud.” The Washington Post, March 22, 2005: A12.

Fuhrmann, Matthew. “A Tale of Two Social Capitals: Revolutionary Collective Action in Kyrgyzstan.” Problems of Post-Communism 53, no. 6 (2006): 16-29.

Huskey, Eugene. “Kyrgyzstan’s Tulip Revolution: Interview with Roza Otunbayeva.” Demokratizatsiya 13, no. 4 (2005): 483-9.

International Crisis Group. “Kyrgyzstan: After the Revolution.” ICG. May 4, 2005. http:// [p. 98] www.crisisgroup.org/~/media/Files/asia/central-asia/kyrgyzstan/097_ kyrgyzstan_after_the_revolution.pdf (accessed November 29, 2015).

Jakopovich, Dan. “The 2003 `Rose Revolution’ “ in Georgia: A Case Study in High Politics and Rank-and-File Execution.” Journal of Contemporary Central and Eastern Europe 15, no. 2 (2007): 211-20.

Jones, Kevin Dewitt. The Dynamics of Political Protests: A Case Study of the Kyrgyz Republic. College Park, MD: University of Maryland Unpublished Dissertation, 2007.

Kandelaki, Giorgi. Georgia’s Rose Revolution: A Participant’s Perspective. Washington, DC: United States Institute of Peace, 2006.

Kimmage, Daniel. “Kyrgyzstan: How Bishkek’s Revolution Happened So Fast.” Radio Free Europe/Radio Liberty. April 4, 2005. http://www.rferl.org/content/article/1058253. html (accessed November 15, 2015).

Kulov, Emir. “March 2005: Parliamentary Elections as a Catalyst of Protests.” Central Asian Survey 27, no. 3 (2008): 337-47.

Marat, Erica. The Tulip Revolution: Kyrgyzstan One Year After. Washington, DC: The Jamestown Foundation, 2006.

Meyers, Nancy L. Vreme Je! It’s Time! Mobilization and Voting for Regime Change: The Serbian Elections of 2000. Washington, DC: Unpublished Dissertation, The George Washington University, 2009.

Mitchell, Lincoln. “Georgia’s Rose Revolution.” Current History 103 (October 2004): 342- 8.

Mydans, Seth. “President of Georgia Pleads for Calm as Protests Grow.” The New York Times, November 15, 2003: A1.

Nodia, Ghia. “The Dynamics and Sustainability of the Rose Revolution.” In Democratisation in the European Neighborhood, edited by Michael Emerson, 38-52. Brussels: Centre for European Policy Studies, 2005.

Peuch, Jean-Christophe. “Kyrgyzstan: Eyewitness to the Revolution.” Radio Free Europe/ Radio Liberty. March 25, 2005. http://www.rferl.org/content/article/1058136. html (accessed November 15, 2015).

Radnitz, Scott. Weapons of the Wealthy: Predatory Regimes and Elite-Led Protests in Central Asia. Ithaca: Cornell University Press, 2010.

Vejvoa, Ivan. “Civil Society versus Slobodan Milosevic: Serbia, 1991-2000.” In Civil Resistance & Power Politics: The Experience of Non-Violent Action from Gandhi [p. 99] to the Present, eds. Adam Roberts and Timothy Garton Ash. Oxford: Oxford University Press, 2009.

Walsh, Nick Paton. “Kyrgyz Leader Condemns Protesters.” The Guardian, March 22, 2005 (a).

—. “Pink Revolution Rumbles on in Blood and Fury.” The Guardian, March 26, 2005 (b).

Wood, Tom. “Reflections on the Revolution in Kyrgyzstan.” Fletcher Forum on World Affairs 30, no. 2 (2006): 43-56.

فهرست جدول‌ها و شکل‌های اصل [۱۰۰]

شماره‌ی صفحه‌ی اصل و بخشی از این ترجمه که هر جدول یا شکل در آن آمده است.

عنوان	صفحه‌ی اصل	در ترجمه
شکل ۱. طیف انضباط بی‌خشونت	۱۷	بخش ۱
جدول ۱. اجزای مدل ریاضی	۲۳	بخش ۱
جدول ۲. تأثیرهای مورد انتظار برای آزمون	۳۳	بخش ۱
شکل ۲. نمایش تأثیر سرکوب گذشته	۳۶	بخش ۲
شکل ۳. درصد کنش‌های سرکوب‌شده	۳۷	بخش ۲
شکل ۴. اثر سرکوب بر انضباط بی‌خشونت	۳۸	بخش ۲
شکل ۵. ساختار کارزار و احتمال حفظ انضباط بی‌خشونت	۴۰	بخش ۲
شکل ۶. اهداف راهبردی و احتمال حفظ انضباط بی‌خشونت	۴۲	بخش ۲
جدول ۳. نتایج تحلیل آماری	۴۴	بخش ۲
جدول ۴. نمای مقایسه‌ای انقلاب‌های رنگی	۴۶	بخش ۳
نقشه‌ی صربستان	۴۸	بخش ۳
نقشه‌ی گرجستان	۵۲	بخش ۳
نقشه‌ی قرقیزستان	۵۵	بخش ۳
جدول ۵. یافته‌های اصلی مقایسه‌ی موردی	۵۸	بخش ۳
جدول ۶. یافته‌های مقایسه‌ی موردی و یافته‌های آماری	۶۷	بخش ۴
جدول ۱ پیوست. یافته‌های مقایسه‌ی موردی و یافته‌های آماری [م.: عنوان چنین در فهرست اصل آمده است]	۷۷	بخش ۲
شکل ۱ پیوست. شمار کل رویدادها	۷۸	بخش ۲
جدول ۲ پیوست. آمار توصیفی	۸۲	بخش ۲
شکل ۲ پیوست. احتمال پایه‌ی انضباط بی‌خشونت در کارزارهای NAVCO	۸۴	بخش ۲
جدول ۳ پیوست. مدل‌های رگرسیون	۸۵	بخش ۲
جدول ۴ پیوست. نتایج آماری	۸۹	بخش ۲

پشت جلد اصل [۱۰۲]

چگونه می‌توانیم بفهمیم جنبش‌های بی‌خشونت کِی بی‌خشونت می‌مانند؟ کِی احتمال دارد به خشونت فرو بغلتند؟ جاناتان پینکنی در این تک‌نگاری هم آنچه انضباط بی‌خشونت را در جنبش‌های مقاومت مدنی تقویت می‌کند و هم آنچه آن را تضعیف می‌کند، تحلیل می‌کند. پژوهش پینکنی، با درآمیختن پژوهش کمّی درباره‌ی هزاران کنش بی‌خشونت و خشونت‌آمیز با مقایسه‌ی دقیق سه مورد اثرگذار مقاومت مدنی در «انقلاب‌های رنگی»، درس‌های مهمی برای فعالان و سازمان‌دهندگان خط مقدم، و نیز برای کنشگرانی فراهم می‌کند که کارشان ممکن است بر نتیجه‌ی مبارزه‌های بی‌خشونت اثر بگذارد. می‌آموزیم که سرکوب به‌طور پیوسته خشونت برمی‌انگیزد، و امتیازهای حکومت نیز همین‌طور. از سوی دیگر، می‌بینیم که ساختن کارزاری فراگیر و غیرسلسله‌مراتبی به انضباط بی‌خشونت بیشتر کمک می‌کند.

درباره‌ی نویسنده (در زمان انتشار اصل، ۲۰۱۶) جاناتان پینکنی دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل و سیاست تطبیقی در دانشکده‌ی کوربل و پژوهشگر مرکز امنیت و دیپلماسی بین‌المللی سی چئو-کانگ بود و بر پروژه‌ی داده‌های «کارزارهای بی‌خشونت و خشونت‌آمیز و نتایج آنها» (NAVCO 3.0) نظارت داشت. پژوهش او بر مبارزه‌ی سیاسی بیرون از نهادهای رسمی در کشورهای غیردموکراتیک متمرکز است و رساله‌ی دکتری‌اش نقش مقاومت مدنی بی‌خشونت در فرایندهای دموکراتیک‌شدن را بررسی می‌کند. آثار او در Journal of Peace Research، «آزمایشگاه دموکراسی» فارین پالیسی و مجموعه‌مقاله‌ی Wielding Nonviolence in the Midst of Violence منتشر شده است. کارشناسی امور بین‌الملل را با رتبه‌ی ممتاز از کالج گوردن (ونهام، ماساچوست) گرفت، در ۲۰۱۲ بورس سی دانشکده‌ی کوربل و در ۲۰۱۶ بورس دکتری مرکز بین‌المللی منازعه‌ی بی‌خشونت (ICNC) را دریافت کرد. پیش از تحصیلات تکمیلی در برنامه‌های تحصیل در خارج در مصر و هند کار کرد و در تأسیس BIRDS International، سازمانی غیردولتی برای مسائل فقر روستایی در جنوب هند، سهم داشت. او با همسرش در دنور زندگی می‌کند و دوچرخه‌سواری جاده و کمپینگ را دوست دارد.

ترجمه: پژوهشکده‌ی جنبش معلمان – مجموعه‌ی جنبش‌های اجتماعی، شماره‌ی ۶ (بخش ۴ از ۴). آبان ۱۴۰۵. © متن اصلی: International Center on Nonviolent Conflict, 2016.